



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

مقاله کانون پژوهش

بررسی علل نزول قرآن به عربی

پژوهشگران:

راضیه دهقانی، مریم زارعی، رقیه شریفی زاده، مرضیه فرهادی

الحمد لله

چکیده

از آنجایی که هر دینی باید با زبان قومش نازل شود، دین اسلام نیز در میان اعراب نازل شد و کتاب آسمانی این دین عزیز نیز به زبان عربی است. باید با فلسفه‌ی نزول قرآن به زبان عربی آشنا شد تا بتوان در آن تأمل و تدبیر کرد و آموزه‌های آن را آن گونه که شایسته است، فرا گرفت. بحث جنجال برانگیزی که در مورد عربی بودن قرآن مطرح میشود این است که این دین ۱۴۰۰ سال پیش نازل گشته، اما اکنون با پیشرفت زبانها و تکنولوژی میتوان عبادات را با همهی زبانهای زندهی دنیا انجام داد. بنابراین اگر با فلسفه‌ی نزول قرآن به زبان عربی آشنا شد میتوان با طیب خاطر بهتری، عبادات را انجام داد.

این تحقیق شامل سه بحث اصلی است. اولین بحث درباره‌ی واژه شناسی نزول و زبان دین است. بحث دوم در مورد ارتباط زبان و دین و سومین مبحث درباره‌ی علل نزول قرآن به عربی از دیدگاه قرآن و از دیدگاه علما، بررسی شده است. به نظر میرسد با موضوعات مطرح شده در این تحقیق بتوان به تفکر جامعی درباره‌ی علل نزول قرآن به زبان عربی رسید. هرگاه انسان در مورد موضوعی به رضایت خاطر دست یابد و از راه علمی و نقلی به آن پی ببرد، پذیرش آن موضوع برایش راحتتر صورت میگیرد. بنابراین با پذیرش علل نزول قرآن به عربی، جبهه -
گیریه‌ای افراطی در مقابل آن کاهش مییابد و میتوان با دیدگاهی غیر مغرضانه به تأمل و تدبیر در آن پرداخت.

مقدمه

با گسترش اسلام عزیز در سراسر گیتی، مردم از فرهنگها و زبانهای مختلف به این دین رو آورده‌اند. هر چند دین اسلام در میان اعراب نازل شد و به قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) که ایشان نیز عرب بودند نازل گشت اما اکنون دهها زبان زنده‌ی دنیا با اسلام آشنایی دارند و به آن گرایش پیدا کرده‌اند. اما در این میان همیشه افرادی بوده‌اند که با توحید و یکتاپرستی دشمنی داشته‌اند و به طرح شبهات بیپایه و اساس در این مورد پرداخته‌اند. معجزه‌ی پیامبر (ص) گرامی اسلام که همان قرآن کریم است نیز به زبان عربی نازل گشته و مراسم عبادی مانند نمازهای این دین مبین نیز باید به زبان عربی باشد و حتی دعا‌های رسیده از معصومین و بزرگان، کتابهای نوشته شده توسط بزرگان اسلام همه به عربی است. اما شبهه‌های که مطرح میشود این است که انسان هر گونه که با خدای خویش آرامش بیشتری دارد، با هر زبانی که میتواند با خدای خویش نجوا کند، باید سخن بگوید و نماز بخواند، چرا به اجبار باید به عربی خواند و یا اینکه زبان عربی برای افراد عرب نازل گشته است پس مسلمانی که عرب نیست می-تواند با زبان دلخواهش عبادات را انجام دهد و دهها شبهه دیگر پیرامون این موضوع مطرح می-شود. در این تحقیق تلاش بر این است که ارتباط بین زبان و وحی بررسی شود و نیز علل مختلف نزول قرآن به عربی نیز در گسترهی این چند صفحه است.

۱- واژه شناسی

۱-۱- وحی در لغت

بنا به تعریف علما، وحی کلام الهی است که بر فرستادگانش نازل میگردد. در حقیقت اصطلاح و تعبیری است از ارتباط میان خدا و پیامبران. این ارتباط یا توسط پیام آوری است که خود دیده و سخنش شنیده میشود. مانند تبلیغ جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، و یا تنها کلامش فهمیده میشود چون وحی بر موسی (علیه السلام)، و یا از طریق الهام و تسخیر رویا و از این قبیل است.

۲-۱- سابقه وحی

سابقه وحی و نبوت همزمان تمدن بشری است. امتی در جهان نبوده که در آن پیامبری نباشد و امتی نبود که در میان آنها بیم دهنده و راهنمایی نباشد تا حجت خدا بر خلق تمام گردد و کسی را در برابر او حجتی نماند. وحی در زمانهای مختلف و بر افراد گوناگونی نازل شده و مردم زیادی با روشها، زبانها، منشیهای مختلفی مکلف به تبلیغ وحی شدهاند.^۱

۳-۱- معنای نزول

نزول در مورد قرآن، بیشتر در دو معنا استفاده میشود: وارد شدن و جای گیر شدن. اما هیچ یک از این معانی لغوی سزاوار نزول قرآن نیست. زیرا لازمی این معانی جسم بودن قرآن است. بلکه منظور از نزول ظهور وحی است در پیامبر. یعنی نزولی روحانی و معنوی که تنها پیامبر آن را ادراک داشته و حقیقت آن را میدانسته. پس به ناچار در این جا برای نزول باید معانی مجازی به کار برد. در واقع، بیشتر این اصطلاحات، استعارات و تمثیلات مادی است تا به فهم عمومی نزدیکتر باشد. بنابراین ظهور وحی در پیامبر تعبیر به نزول شده است.^۲

۲- ارتباط زبان با دین و وحی

۱-۲- زبان وحی

زبان، آسانترین وسیله انتقال مفاهیم ذهنی در انسان به شمار میرود و سادهترین ابزار است که آدمی میتواند در جیات اجتماعی، معانی متصوره خویش را مورد تبادل و تفاهم قرار دهد. مسأله خطیر تفهم که لازمی زندگی اجتماعی است تنها از همین راه است که سهل و

شاید در نظر آن جاهلان بی سواد «مضمون» عبارات نمیتوانست چنان اهمیتی را که «بیان» داشته است، دارا باشد و شاید به همین جهت، قرآن را به «شعر» و «سحر» بودن متهم می کردند.^۵

۴- علی که علما آن را بیان میکنند

ارسال رسولان و پیامبران الهی به سوی اقوام و ملت‌های مختلف جز به زبان آنها صورت نگرفته و این هم زبانی هر پیامبر یا قوم خویش، یک اصل کلی و فراگیر بوده است، چنان که در خود قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیصل الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز الحکیم؛ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا برای آنان بیان کند پس خدا هر که را بخواهد بی راه میگذارد و هر که را بخواهد هدایت میکند و اوست ارجمند و حکیم (ابراهیم آیه ۴)».

این قاعده کلی در ارسال رسل الهی، در انزال کتب آسمانی نیز جاری گشته است. «و کذلک اوحینا الیک قرانا عربیا لینذر ام القرى و من قولها و تنذر یوم الجمع لا ریب فیه، فریق فی الجنه و فریق فی السعیر؛ و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گرد آمدن که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش (سوره شوری آیه ۷)».

بنابراین عربی بودن قرآن امری طبیعی بوده است، چرا که پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) از میان قومی به رسالت مبعوث گشت که زبانشان عربی بود. این امر با رسالت جهانی و دعوت همگانی او که برای همهی عصرها و نسل هاست هدایتگری کتابش که هدی للناس است، منافاتی ندارد. هشدار به مردم مکه که در سورهی شوری آمده است تنها از این جهت است که پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) در مراحل اولیه حرکت جهانی خود مأمور به هدایت بستگان، نزدیکان و مردم منطقهی خویش است. معقول نیست که پیامبری به ارشاد و هدایت مأمور گردد آنگاه کتابی را که مخاطبان اولیه با زبان آن بیگانهند، به آنان عرضه کند. قرآن آنگاه در جهان مورد پذیرش قرار میگیرد که نخست در منطقهی بعثت پیامبر با اقبال مردمی روبرو شده باشد.

درباره‌ی عربی بودن قرآن به این واقعیت نیز باید توجه کرد که زبان شناسان معتقدند زبان عربی، دامنه و گستره‌ای بسیار وسیع دارد و از این جهت، بر سایر زبانها برتری دارد. مثلاً افعال در زبان عربی جای شش صیغه، چهارده صیغه دارد. یا تمام اسمها مذکر و مؤنث دارد و ...

فراوانی مفردات و اشتقاق کلمات، دستور زبان و فصاحت و بلاغت آن نیز این زبان را از دیگر زبانها ممتاز میسازد. بر این اساس روایتی که ابن عباس از پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است زبان عربی، زبان اهل بهشت است. بدون تردید، خداوند برای آخرین کتاب آسمانی خود که تا ابد زنده و پاینده خواهد بود، بهترین زبان را انتخاب میکند و برای دفع هر گونه ابهامی، همه جا انتخاب آن را به خود نسبت داده و از آن به عربی مبین یاد میکند مثلاً در آیاتی مانند «انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون؛ که ما قرآن را به لسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما در فهم آن عقل و فکر کار بندید (زخرف آیه ۳)» و «انا انزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون؛ این قرآن مجید را ما به عربی فرستادیم باشد که شما به تعلیمات او عقل و هوش یابید (یوسف آیه ۲)» به آن اشاره میکند. ^۵ این دو آیه گویای این حقیقت است که عربیت مستند به خداوند است و اوست که معنا و محتوای قرآن را در پوشش لفظ عربی نازل فرموده است تا قابل تعقل و تأمل باشد. ^۶ علامه طباطبایی میگوید: دو جنبهی عربیت الفاظ قرآن و استناد آن به وحی، در ضبط اسرار آیات و حقایق معارف دخیل است. اگر تنها معنا و مفهوم آیات به پیامبر القا شده و الفاظ از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، چنان که در احادیث قدسی چنین است، و یا اگر به زبان دیگری ترجمه شده بوده بخشی از اسرار آیات، پوشیده میماند و از دسترس عقول بشر خارج میگشت.

بنابراین میتوان دلیلی دیگر برای انتخاب زبان عربی را غنی بودن و توانمندی بالای آن در تبیین مطالب دانست. در قرآن کلمهی اعجمی به کار رفته است که منظور از آن در آیه، غیر فصیح است، آن چنان که امام معصوم میفرمایند: عربی فصیح قرآن از واژهها و ساختاری برخوردار است که گویایی زبانهای دیگر را دارد در حالی که زبانهای دیگر گویایی آن را ندارد. بنابراین با توجه به ویژگی زبان عربی و بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از میان عرب زبانان و نیز تأملی که در کاربرد واژهی عربی در آیات وجود دارد، اگر قرآن، عربی نبود جای سوال و اشکال وجود داشت چرا که عربی بودن آن، امری طبیعی و عادی است.^۷

نتیجه‌گیری

هر چند هر دینی باید به زبان خود آن قوم نازل گردد عللی نیز برای این امر مطرح میشود. از جمله اینکه اگر با زبان خود قوم باشد پذیرش آن دین بهتر و سریعتر از جانب افراد صورت می‌گیرد. در واقع زبان هر قومی یک ارتباط عاطفی است که میان مردم و زبان و آداب برقرار است. پس هر چه این ارتباط عاطفی بیشتر باشد پذیرش دین بهتر صورت میگیرد. این تحقیق علل دیگری را نیز نشان میدهد مانند اینکه در خود قرآن که دشمنان را به تحدی دعوت میکند، این نیز یکی از علل عربی بودن قرآن است.

از علل دیگر فصاحت، گستردگی و اشاعهی بهتر معانی توسط زبان عربی است که زبانهای دیگر توانایی این گستردگی را ندارند و نمیتوانند به این گستردگی مفهوم و معنای واژه‌ها را بیان کنند، بنابراین لازم است قرآن به زبان عربی باشد.

پی نوشت

- ۱- رامیار. محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹، ص ۷۷ و ۷۹
- ۲- رامیار. محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹، ص ۱۸۱
- ۳- معرفت. محمدهادی، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۹
- ۴- سعیدی روشن. محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹، ص ۴۳
- ۵- حکیم. محمد باقر، علوم قرآنی، تبیان، تهران، ۱۳۷۸، صص ۳۲ تا ۲۹
- ۶- جوان آراسته. حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ صص ۴۹-۵۰
- ۷- جوان آراسته. حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ صص ۱۶ و ۱۷

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- جوان آراسته، حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳
- ۲- حکیم، محمد باقر، علوم قرآنی، تبیان، تهران، ۱۳۷۸
- ۳- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹
- ۴- سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹
- ۵- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۹